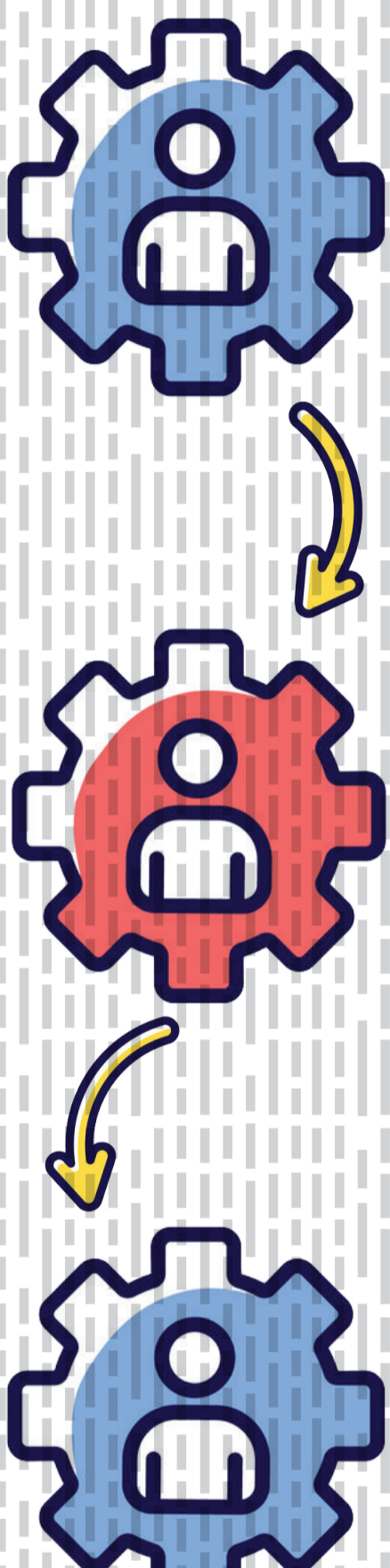


# نقطه شروع هم‌افزایی اجتماعی در تربیت رسمی



**ابراهیم راستیان پژوهشگر حلقه مدرسه مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)**

بی‌شک اگر به دنبال تحول در عرصه تعلیم و تربیت رسمی هستیم، باید به جریان‌های اجتماعی تربیتی توجه ویژه داشته باشیم؛ چراکه تحول بدون حضور مردم و بدون محوریت داشتن بازیگران اصلی تربیت به هیچ عنوان محقق نمی‌شود. برخی گمان می‌کنند حضور جریان‌های اجتماعی یکی از مصادیق تحول در تعلیم و تربیت رسمی است، درحالی‌که هم‌افزایی اجتماعی فراتر از مصداق و مفهوم تحول تربیت رسمی است که تحقق آموزش و پرورش مطلوب را در مصادیق تحول تربیت رسمی معنادار و محقق می‌کند. با هم‌افزایی اجتماعی برنامه‌های درسی متنوع معنادار می‌شود. با هم‌افزایی اجتماعی الگوی اقتصادی مطلوب محقق می‌شود. با هم‌افزایی اجتماعی کنکور و مابقی مولفه‌های گلوگاهی تغییر می‌کند. لذا حضور جریان‌های اجتماعی مفهوم تحول در مولفه‌های گلوگاهی هستند. پس از جلسه فعالان تعلیم و تربیت با مقام معظم رهبری و مطالبه ایشان مبنی بر اینکه طرحی آماده کنید که اکثر شما روی اکثریت متن اجماع داشته باشید، مساله هم‌افزایی بیش از پیش مورد توجه جریان‌های اجتماعی تعلیم و تربیت قرار گرفت. همه فعالان تربیتی اذعان دارند که باید این اجماع نسبی شکل گیرد و هم‌افزایی محقق شود، ولی سوال اساسی که اندکی میان فعالان تعلیم و تربیتی چالشی شده و نیاز به تأمل و تفکر بیشتری دارد، کیفیت تحقق این هم‌افزایی است. سوالات محوری این است که این هم‌افزایی چه اقتضائاتی دارد و چگونه محقق می‌شود و از کجا باید شروع کنیم که در ادامه به اختصار در مورد این سوالات صحبت خواهیم کرد.

## الگوهای متنوع اما همگرا، لازمه هم‌افزایی

مهم‌ترین اقتضای هم‌افزایی اجتماعی، توجه به عموم بازیگران مردمی در سطوح مختلف است؛ هر چند همه به این ماجرا اذعان دارند ولی در عمل به لوازم این هم‌افزایی اجتماعی پایبند نیستند. محور قرار گرفتن جریان‌های مردمی، در حقیقت توجه به مسائل، نیازها و دغدغه‌ها و البته توانمندی‌ها و مهارت‌های بازیگران عمومی تربیت است. شما نمی‌توانید درخواست مشارکت اجتماعی داشته باشید ولی به این تنوعات توجه نکنید. مهم‌ترین مساله این است که برای حضور حداکثری جریان‌های تربیتی باید تنوعات آنها را به رسمیت شناخت و برای آن طراحی داشت، با این حال نباید این تنوعات، همگرایی انسانی، دینی و ملی را خدشه دار کند. فهم این مساله که نیاز به الگوهای متنوع اما همگرا داریم، سرعت هم‌افزایی اجتماعی در تحول تربیت رسمی را به سرعت افزایش می‌دهد. حال برای اینکه بتوانیم به معنای حقیقی کلمه هم‌افزایی اجتماعی (الگوهای متنوع اما همگرا) را محقق کنیم چه مسیری را باید طی کنیم؟

## گفت‌وگوهای سازنده، مانع هم‌افزایی

قبل از پاسخ به سوال مذکور خوب است به یک برداشت غلط اشاره کنم. برخی به اشتباه چنین تصور می‌کنند بدون تولید ایده و محتوا می‌توانند گفت‌وگوهای سازنده کنند. به بیان دیگر این افراد می‌پندارند که می‌توانند «انحصار» در تعامل اجتماعی ایده را خلق کنند، پرورش دهند و به گفت‌وگو تبدیل کنند؛ بدون اینکه به ایده‌های پرورش یافته توسط افراد و جمع‌های کوچک، توجه داشته باشند. لذا صرفاً به صورت صوری فعالان را دور هم جمع می‌کنند و به دام گفت‌وگوهای سازنده می‌روند و بی‌حاصل می‌افتند که جز سرد شدن و کدورت و ناراحتی اکثر فعالان عموماً نتیجه دیگری ندارد. اشتباه نکنید؛ بنده با گفت‌وگوهای سازنده مخالف نیستم. با گفت‌وگوهای سازنده و بی‌محتوا مخالفم. پیش فرض گفت‌وگوهای سازنده این است که بازیگران عمومی تعلیم و تربیت چه در عرصه نظر و چه در عرصه عمل به تجربیات مفیدی رسیده‌اند که البته لزوماً این تجربیات قابلیت دریافت تمام و کمال برای دیگر مجموعه‌ها را ندارد و در ابتدای کار بستر تعامل و گفت‌وگو را باز می‌کند. بنابراین حتماً باید جمع‌های کوچکی وجود داشته باشند که متناسب با نیازها و مسائل خودشان، تولید محتوا کرده‌اند و به ایده‌های تحولی رسیده‌اند و براساس این ایده‌ها گفت‌وگوهای سازنده شکل می‌گیرد. بی‌شک

این محتواها در گروه‌های کوچکی باید تدوین و آماده شوند و اگر چنین نباشند، اساساً حضور افراد کنشگر تعلیم و تربیت حول یک میز بی‌معنا و بی‌حاصل است. حال سوال این است که اگر افراد ایده تحولی داشته باشند، می‌توانیم گفت‌وگوهای سازنده را شروع کنیم؟

## گفت‌وگوهای سازنده، پیرامون معماری کلان

شاید تصور کنید همین که کنشگران تربیتی ایده داشته باشند و احساس نیاز به حرکت جمعی در آنها زنده شده باشد، گفت‌وگوهای سازنده شکل بگیرد ولی در حقیقت هنوز به مرحله گفت‌وگوهای سازنده نرسیده‌ایم. در چنین شرایطی اگر وارد گفت‌وگوهای سازنده شویم، تمام تک ایده‌های خوب را خراب کرده‌ایم. پس صرف داشتن ایده و تجمیع ایده‌ها شما را برای گفت‌وگوهای سازنده آماده نمی‌کند. شما نیازمند طراحی معماری کلان در تحول تربیتی هستید؛ معماری کلانی که در آن محورهای تحول و مولفه‌های گلوگاهی تحول مشخص باشد. طبیعتاً باید افراد یا گروه‌هایی باشند که فراتر از تک ایده‌ها برای هم‌افزایی اجتماعی (الگوهای متنوع اما همگرا) معماری داشته باشند. دقت کنید اگر بدون داشتن یک طراحی کلان به دنبال گفت‌وگوهای سازنده بین تک ایده‌ها باشیم، نه تنها مشکلات قبلی (بی‌شماری گفت‌وگوهای سازنده) خواهد ماند، بلکه با متنی روبرو می‌شویم که تجمیع آراست و هیچ‌کدام از کنشگران از این سند حمایت نخواهند کرد. کما اینکه بارها و بارها شاهد این ماجرا بوده‌ایم. در چنین شرایطی اولاً باید کنشگرانی که معماری هم‌افزایی اجتماعی در تحول رسمی دارند، دور هم جمع شوند و الگوی مقبول خودشان از معماری مطلوب را ارائه دهند. ثانیاً گفت‌وگوهای سازنده در لایه‌های بعدی روی همین معماری مطلوب بین جریان‌های مردمی تربیت رخ می‌دهد. البته ممکن است در مورد مولفه‌های گلوگاهی، مصداق و تعدادشان بحث و چالش وجود داشته باشد که در گام‌های بعدی گفت‌وگوهای سازنده به این موارد و مصادیق تک ایده‌ها باید پرداخته شود و جای خودش را در این نظام پیدا کند. فراموش نکنیم معماری کلان مبتنی بر نظریه الگوهای متنوع اما همگرا باید طراحی شود؛ چراکه قوام تحول در تربیت رسمی، جریان‌های مردمی هستند و تربیت بدون این الگوها محقق نمی‌شود.

## سند نهادی؛ سرآغاز گفت‌وگوهای سازنده

تا اینجا متوجه شدیم که گفت‌وگوهای سازنده باید پیرامون موضوعی باشد و بدون محتوا گفت‌وگوهای سازنده بی‌بهره است و از طرفی گفت‌وگوهای سازنده پیرامون تک ایده‌ها راه به جایی نمی‌برد. در گام اول گفت‌وگوهای سازنده باید پیرامون معماری تحول باشد و در ادامه به مولفه‌ها و تک ایده‌ها پرداخته شود. حال سوالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توانیم یک معماری کلان ارائه دهیم که پیرامون آن گفت‌وگوهای سازنده شکل بگیرد؟ در پاسخ باید گفت که تدوین یک سند نهادی بهترین مسیر هم‌راه‌سازی و هم‌افزایی اجتماعی در تربیت رسمی است. منظور از سند نهادی یک بسته پیشنهادی است که علاوه بر داشتن یک معماری کلان و تبیین مولفه‌های گلوگاهی تحول، در یک مسیر اجتماعی تهیه و تدوین شود. این سند نهادی در دو لایه میان کنشگران و بازیگران اجتماعی محل بحث و گفت‌وگو قرار خواهد گرفت. لایه اول، معماری سند باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در لایه دوم مولفه‌ها و ارکان تحول مورد بررسی قرار خواهد گرفت. دقت فرمایید در هر دو سطح نیازمند گفت‌وگوهای سازنده و رسیدن به اجماع نسبی هستیم؛ اجماعی که اکثر بازیگران روی اکثر بسته پیشنهادی اجماع داشته باشند. حال ممکن است اشکال شود که سند محصول اجماع جامعه تربیت باید باشد نه سرآغاز گفت‌وگوهای سازنده. چرا شما از بسته پیشنهادی شروع می‌کنید؟ باید این اشکال باز شود تا درست نقد و بررسی شود. اگر منظور این است که یک عده‌ای پشت درهای بسته یک سندی را تدوین کنند و مستقیماً آن سند را به تصویب برسانند و پس از تصویب احساس کنند که در فرآیند اجرا به جریان‌های مردمی نیازمندند و به همین خاطر وارد گفت‌وگوهای سازنده و فرآیند اقتناع شوند، طبیعتاً مسیر معیوب و غلط و ناکارآمدی را انتخاب کرده‌اند و یقیناً به این بسته پیشنهادی، سند نهادی نخواهند گفت. بدون شک در چنین فرآیندی بنده هم قبول دارم، سند آغاز مسیر نیست اما در الگوی مطلوب چنین فرآیندی طی نمی‌شود. در الگوی پیشنهادی ما، در گام اول یک بسته پیشنهادی باید آماده شود که دو ویژگی بارز دارد؛ ویژگی اول این

است که معماری داشته باشد و ویژگی دوم این است که مولفه‌های گلوگاهی تحول را مبتنی بر الگوهای تنوع همگرا ارائه دهد. این بسته سیاستی در هر دو سطح به واسطه جریان‌های تربیتی ویرایش و تکمیل می‌شود و در نهایت به اجرا می‌رسد که به این سند با عنوان سند نهادی یاد کردیم اما چگونه؟

## منطق اقدام هم‌افزایی اجتماعی

برای اینکه بتوانیم در یک فرآیند طبیعی و تدریجی، به یک بسته سیاستی مدون برسیم که اکثر افراد روی اکثر آن اجماع داشته باشند، باید در دو سطح حلقه‌هایی شکل بگیرند؛ سطح اول حلقه‌های تخصصی است که اعضای آن افرادی هستند که قدرت تعامل و شبکه‌سازی وسیعی دارند و می‌توانند ایده‌ها را به گوش جمع قابل توجهی برسانند و آن جمع را در حلقه‌ها نمایانگی کنند. در این حلقه‌ها تخصصی معماری سند و مصادیق مولفه‌های گلوگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرند و با کمک اعضا این حلقه‌ها بسته سیاستی پخته‌تر می‌شود. طبیعتاً در این مرحله می‌توان پلتفرمی را طراحی کرد که تمام ایده‌ها جمع‌آوری شود ولی باید آگاه باشیم که این ایده‌ها در معماری مطلوب جایابی شوند و باید بتوانند به عنوان یک مولفه گلوگاهی جای خودشان را در معماری تحولی مطلوب پیدا کنند. طبیعتاً در این سطح امکان ویرایش، تکمیل و تغییر مولفه‌های گلوگاهی (که در متن پیش‌نویس طراحی شده بودند) وجود دارد. نکته اساسی این است که بسته سیاستی پس از جمع‌بندی نهایی مورد اجماع نسبی قرار گرفته باشد. در سطح بعدی این بسته سیاستی به حلقه‌های بعدی می‌رسد. در لایه‌های بعدی که جمع‌گسترده‌تر و عمومی‌تر و به صورت خوشه‌وار و در حلقه‌های متعدد و کوچک و چابک حضور دارند همچنان (با حضور حلقه اول) اسکان اصلاح و ویرایش و تکمیل مولفه‌ها وجود دارد. دقت فرمایید در لایه‌های عمومی‌تر بیشتر دغدغه‌ها از سنخ ارائه تک ایده‌ها یا تکمیل مولفه‌هاست و کمتر به لایه معماری سند ورود می‌کنند. خلاصه اینکه در یک فرآیندی سند هم اصلاح می‌شود و هم به یک اجماع نسبی می‌رسد و قابلیت ارائه به نهاد‌های رسمی را پیدا می‌کند. به این معنا سند می‌تواند سرآغاز گفت‌وگوهای سازنده و حقیقتاً در عموم بازیگران حس تعلق و مالکیت نسبت به خودش را ایجاد کند. این حس حقیقی که البته به تدریج به دست آمده است، می‌تواند ضمانت اجرای بسته سیاستی به واسطه همین کنشگران مردمی را بالا ببرد.

## ساختارهای خودسازمان‌ده، بستر هم‌افزایی

در پایان لازم است به این سوال اشاره کنم که آیا خوب است در ابتدای هم‌افزایی اجتماعی برای چنین جریان مردمی، ساختاری مستقل از حاکمیت طراحی کنیم یا خیر؟ طبیعتاً هر کنش اجتماعی به واسطه باید‌ها و نباید‌های جمعی نیازمند ساختاری است و طبیعتاً این جریان تحولی نیازمند ساختاری مستقل از نهاد‌های رسمی حاکمیت بوده اما باید دقت کنیم که این ساختار اولاً باید نهادی باشد و به تدریج از دل فرآیند‌های اجتماعی شکل گیرد و اصطلاحاً ساختارها تعینی باشند و نه تعینی. ثانیاً این ساختار باید ناظر به یک نیاز جمعی و عینی ساخته شود. هر ساختاری در پاسخ به نیازهایی شکل می‌گیرد. اگر قبل از رسیدن به نیازهای جمعی به طراحی ساختار بپردازیم، نه تنها عمر خودمان را تلف کرده‌ایم بلکه همچون دیگر ساختارهای رسمی خودمان را گرفتار چارت سازمانی و ثبت حقوقی و باید‌ها و نباید‌های جزئی و کلانی می‌کنیم که علاوه‌اصلاً به کاروان نمی‌آید. دقت کنید بنده مخالف ساختار نیستم ولی با ساختارسازی‌های بی‌لیل هم همراه نیستم. اگر فرآیندی که در مسیر هم‌افزایی توضیح دادم به درستی طی شود، حتماً به ساختار نیازمند خواهیم شد ولی ساختاری که از دل روابط انسان‌ها و عامل‌ها به دست آمده است می‌تواند کارساز باشد. به بیان دیگر فرآیند هم‌افزایی اجتماعی به ساختارهای پیشینی نیاز ندارد بلکه به ساختارهایی نیاز دارد که از دل تعاملات و ناظر به حل مسائلی در فرآیند هم‌افزایی اجتماعی به آن رسیده باشیم. طبیعتاً هر چقدر که بازیگران در این فرآیند بهتر حاضر شوند و این بسته سیاسی را از خودشان بدانند، بهتر می‌توانند برای این فرآیند ساختار طراحی کنند. در چنین شرایطی نیاز به طراحی ساختارهای پیشینی و به واسطه دیگران نخواهیم بود و خودکنشگران مردمی متناسب با نیازها و مسائل خودشان ساختارهای لازم را می‌سازند.

**آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان الشتر- سری (۹۲) جمعی**

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان الشتر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی‌که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت به نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۲/۰۸/۰۱)  
 تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۲/۰۸/۱۶)

۱- تقاضای «محمد قاسم یوسفوند» فرزند «غلام» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به مساحت «۳۲۵۳/۸۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۰» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه

۲- تقاضای «صوفی رضا بلوآسی» فرزند «علی» نسبت به «شش‌دانگ یک زمین مزروعی» به مساحت «۸۰۴۲/۴۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳» فرعی از «۱۶۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن سالاروند»

۳- تقاضای «سالار مرادی‌نصر» فرزند «محمد مراد» نسبت به «۱،۳۹۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ» به مساحت «۵۷۱۴/۱۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۳» فرعی از «۱۰۴» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد مراد کاکولوند»

۴- تقاضای «عباس ندری» فرزند «محمد حسین» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی» به مساحت «۱۱۵۹۴/۰۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲» فرعی از «۷۰» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد تقی ندری»

۵- تقاضای «محمود اسدی پور» فرزند «محمد رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی» به مساحت «۴۱۹۷/۷۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامرضا هاشمی»

۶- تقاضای «زرافشان شفيعی سراب» فرزند «رستم» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به مساحت «۳۸۵۶/۶۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۰۵» اصلی واقع در بخش

«غلام یوسفوند»  
 «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «حبیب‌اله رشتو»  
 ۷- تقاضای «باباخان یوسفوند» فرزند «صید» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به مساحت «۲۹۵۲/۲۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۲» فرعی از «۲۰۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «صید محمد و شرکا»  
 ۸- تقاضای «فیض‌اله رشتو» فرزند «یداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به مساحت «۱۱۲۲/۸۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۰۵» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «حبیب‌اله رشتو»  
 ۹- تقاضای «محمد جعفری» فرزند «موسی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به مساحت «۶۳۵۷/۸۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر قلی امیری»  
 ۱۰- تقاضای «محمد جعفری» فرزند «موسی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به مساحت «۴۶۸۸/۳۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» حوزة ثبت ملک الشتر (سلسله) «خروجی از مالکیت مالک اولیه «لطفعلی ندری»  
 شناسه آگهی: ۱۵۸۹۷۵۴  
 فرشاد بازوند‌نژاد  
 رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان الشتر